

بررسی فرایند انقلاب اسلامی در شهرکرد

مریم رفیعی وردنجانی^۱

چکیده

شهر شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری، ازجمله مناطقی است که پایه‌پای مناطق دیگر نقاط کشور در مبارزه با حکومت پهلوی مشارکت داشت. پژوهش حاضر بر آن است تا نحوه گسترش باورها و اعتقادات اسلامی و انقلابی در شهر شهرکرد و حوادث و رخدادهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار گیرد و به چگونگی همه‌گیر شدن گفتمان انقلاب اسلامی بپردازد. بنابراین ضرورت دارد به بررسی نقش گروه‌ها و اقشار مختلف شهرکرد که در جریان مبارزات انقلابی حضور چشمگیر داشتند، پرداخته شود. در این خصوص پس از توصیف تحولات اداری و اجتماعی شهر در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ با استفاده از روش کتابخانه‌ای، اسناد و مصاحبه سیر حوادث و رخدادهای انقلاب در سال ۱۳۵۷ و نقش اقشار گوناگون در تحولات انقلابی در این شهر بررسی شده است. براساس یافته‌های این پژوهش وجود افراد فعال مذهبی در شهرکرد همچون رحمان استکی، سید تقی جعفریان، محمد دانش و مسافرت تعدادی از روحانیون متعهد از قم و دیگر نقاط به این منطقه و سخنرانی‌های روشنگرانه آنان موجب آشنایی مردم شهرکرد با جریان کلی انقلاب شد. در داخل شهر فعالیت‌های فرهنگی مدرسه امامیه و افراد مذهبی، فعالیت‌های گروه توحیدی محرم سرخ، در آموزش و تربیت نیروهای آگاه و ایجاد فضای انقلابی در شهرکرد مؤثر بودند. در ابراز مخالفت‌ها و اعتراضات مردم شهر شهرکرد در سال ۱۳۵۷ فعالیت فرهنگیان (دانش آموزان و معلمان) جالب توجه بوده است. مردم این شهر افزون بر نارضایتی منطقه‌ای، تحت تأثیر جریان و حوادث دیگر شهرها (مانند اصفهان) به سیل عظیم انقلاب پیوستند.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، شهرکرد، رحمان استکی، معلمان، دانش‌آموزان.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، برخلاف سایر انقلاب‌ها با مشارکت اکثر قریب به اتفاق همه اقشار جامعه به وقوع پیوست. در این انقلاب، مردم همه‌ی مناطق و شهرهای کشور سهیم بودند. در مطالعات مربوط به انقلاب اسلامی، به تحولات شهرهای کوچک چندان توجه نشده؛ در حالیکه نقش‌آفرینی شهرها و آبادی‌های کوچک را نمی‌توان نادیده انگاشت. امام خمینی هم‌زمان با فراگیر شدن مبارزات مردم در بخشی از پیام خود در ۵ مرداد ۱۳۵۷ ه.ش ضمن تأکید بر اینکه تاریخ، روشنگر نسل‌های آینده است. از نویسندگان امین و متعهد خواسته با دقت به بررسی تاریخ نهضت اسلامی بپردازند و قیام‌ها و تظاهرات مردم شهرستان‌های مختلف کشور را با تاریخ و انگیزه آن به نگارش

۱. کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. Maryam.rafiy5@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲ نوع مقاله: ترویجی

درآوردند، اجازه ندهند نویسندگان مغرض و فرصت‌طلب با قلم‌های مسموم خود جنبه‌های مختلف نهضت را خلاف واقع جلوه دهند و نوشته‌های را تحت عنوان تاریخ در اختیار نسل‌های آینده بگذارند (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۴۳۴/۳).

در مورد مبارزات انقلابی در استان چهارمحال و بختیاری به صورت دسته‌وگریخته تحقیقاتی صورت گرفته است. از جمله کتاب تاریخ انقلاب اسلامی در چهارمحال و بختیاری که نویسنده در آن به بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی چهارمحال و بختیاری از ابتدا تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی پرداخته است. لازم به ذکر است دو مقاله نیز در این زمینه به چاپ رسیده است. در مقاله اول با عنوان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در استان چهارمحال و بختیاری که نویسنده در آن به روش‌های انتقال عقاید انقلابی در شهرکرد پرداخته است و در مقاله دوم که با عنوان تحلیل و بررسی نقش مردم در استان چهارمحال و بختیاری که در آن نویسنده به بررسی نقش کانون‌های مبارزاتی انقلابی استان چهارمحال و بختیاری با تأکید بر نقش روحانیون پرداخته است. در پژوهش حاضر نویسنده سعی دارد علاوه بر بررسی نحوه گسترش باورها و اعتقادات اسلامی و انقلابی در شهر شهرکرد به بیان حوادث و رخداد‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی بپردازد.

موقعیت جغرافیایی شهر شهرکرد^۱

استان چهارمحال و بختیاری برابر ۱۶۴۱۱ کیلومتر مربع است و بین ۳۱ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی در جنوب غربی کشور واقع شده است. این استان در بخش مرکزی رشته‌کوه‌های داخلی و استان اصفهان قرار گرفته و از شمال و شرق با استان اصفهان، از شمال غرب با استان لرستان، در غرب با استان خوزستان و در جنوب با استان کهگیلویه و بویر احمد هم‌جوار است. چهارمحال و بختیاری که تقریباً ۷۶ درصد آن را کوه‌ها و تپه‌ها و ۲۴ درصد دیگر را دشت‌های آبرفتی و فلات‌ها تشکیل می‌دهند تحت تأثیر بادهای و توده‌های هوای غربی ایران قرار دارد (عسگری سوادجانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴ و ۱۵).

میانگین سالانه دما از ۳/۵ درجه در ارتفاعات شمالی تا ۱۸/۵ درجه سانتی‌گراد در نقاط پست جنوبی متغیر است. میزان بارندگی حداقل ۲۶۲ و حداکثر ۵۵۰ میلی‌متر و میانگین آن در ارتفاعات زرد کوه حدود ۱۶۰۰ میلی‌متر است (آخوندی، ۱۳۸۵: ۱).

چهارمحال و بختیاری تا قبل از سال ۱۳۳۲ در قالب شهرستان شهرکرد و بختیاری از شهرستان‌های استان اصفهان (یکی از استان‌های ده‌گانه آن زمان) محسوب می‌شد. در همین سال با توجه به ویژگی‌های متمایز اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر منطقه فرمانداری مستقل "بختیاری و چهارمحال" در تقسیمات کشوری قرار گرفت. در سال ۱۳۳۷ این فرمانداری به فرمانداری کل و سپس در سال ۱۳۵۲ طبق مصوبه هیئت وزیران ارتقا یافت (عسگری سوادجانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۲).

شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری در ارتفاع ۲۰۶۶ متری از سطح دریاهای آزاد قرار دارد و در موقعیت ۵۱ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۲۱ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است (افلاکی سورشجانی، ۱۳۸۰: ۱۵۶). شهرکرد از طرف جنوب به شهرستان بروجن، از غرب به شهرستان فارسان و از شمال و شمال شرق به استان اصفهان منتهی می‌گردد (بنی‌طالبی، ۱۳۹۰: ۱۳). شهرکرد در ۱۰۵ کیلومتری جنوب غربی استان اصفهان واقع شده. شهرکرد با مساحتی بالغ بر ۲۵ کیلومتر مربع در شمال شرقی استان قرار دارد. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۲۰۶۶ متر و وسعت آن ۵۱۷ هکتار و میزان بارندگی سالیانه آن به‌طور متوسط ۲۵۰ میلی‌متر است. این شهر به‌وسیله یک رشته کوه‌های نسبتاً مرتفع احاطه شده و در حقیقت جلگه‌ای است که به‌وسیله رودخانه و قنوات و چشمه‌های محلی مشروب می‌شود و از زمان‌های قدیم قابل سکونت بوده و می‌توان گفت بیلاق طوایف ایل‌نشین و مورد توجه پادشاهان و حکمرانان بوده است (نیکزاد امیرحسینی: ۳۰۸/۱) براساس گزارش سرشماری مرکز آمار استان در سال ۱۳۹۵ جمعیت شهرکرد بالغ بر ۱۹۰۰۰۰ نفر است

۱. نقشه این شهر در ضمایم آورده شده است

این جمعیت در ۵۵۰۰۰ خانوار زندگی می‌کنند. ترکیب جمعیتی این شهر ۹۴۷۸۹ نفر زن و ۹۵۶۵۲ نفر مرد می‌باشد (سایت amareiran مورخ ۱۴۰۱: ۲۶ آذر).

وضعیت اجتماعی شهرکرد در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰

شغل بیشتر مردم شهرکرد دو شغل مهم کشاورزی و دامپروری بوده است. دشت جنوبی شهرکرد محل مناسبی جهت چرا و پرورش دام‌ها بوده. کشت گندم و جو به صورت دیم معمول بوده است. شهرکرد یکی از بازارهای عمده خرید و فروش فرآورده‌های دامی و کشاورزی و صنایع دستی بوده است. خانواده‌های شهرکردی به کار صنایع دستی بخصوص قالی‌بافی، کلاه مالی، گیوه‌دوزی و دیگر صنایع محلی اشتغال داشته‌اند (بنی‌طالبی، ۱۳۹۰: ۱۶۷). برای آشنایی با وضعیت اجتماعی شهر شهرکرد به عنوان خاستگاه جغرافیایی که فرایند انقلاب در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، در آن به وقوع پیوسته است، این موضوع را در دو بخش نهادهای دولتی و غیردولتی دنبال می‌کنیم:

الف - تکاپوی نهادهای دولتی و مرتبط با دولت

اصلاحات ارضی در شهرکرد

در اصلاحات ارضی شاه می‌خواست قدرت خان و مالک را از بین ببرد. شهرکرد یک خان یا چند عمده مالک نداشت، مزارع و زمین‌های کشاورزی شهرکرد در تملک چندین خرده‌مالک بودند. از جمله خرده‌مالکان شهرکرد می‌توان به ابراهیم خان رئیسی، دکتر رحمت‌الله میرحقانی، حاج کرم طهماسبی، حبیب‌الله خان قاسمی، عباس عبده، دکتر حبیب‌الله حسینی، محمد ریاحی، حسن صادقی، حسن صادقی، قربانعلی کوهی، حسن کوهی، علی مراد محمودیه، محمد رئیسی، حسین رئیسی، جواد رئیسی، علی مراد کبیری، امام قلی رئیسی، عباس کبیری اشاره کرد. قبل از اجرای اصلاحات ارضی مزارعی که آب از رودخانه یا قنات آب می‌خورد یک‌سوم را مالک و دو سوم دیگر را زارع برمی‌داشت؛ ولی باغ‌ها و اشجار همه در تملک خرده‌مالک بود. مزارعی که دیمی بودند، یک‌چهارم محصول را مالک و سه‌چهارم باقیمانده را زارع برمی‌داشت. البته رفتار خرده‌مالکان شهرکرد نیز با کشاورزان متفاوت بود (اسدالله چراغیان، ۱۳۹۸/۷/۲).

با آغاز اصلاحات ارضی در سراسر کشور از طرف دولت کارشناسانی به شهرکرد آمدند. جلساتی در منازل نمایندگان یا خرده‌مالکان برگزار می‌شد. اعلام کردند زمین‌هایی که در محدوده ۵ کیلومتری شهر هستند و زمین‌هایی که در محدوده شهر هستند شامل اصلاحات ارضی نمی‌شوند اما مزارعی که در خارج از محدوده شهری هستند پس از آمارگیری شامل اصلاحات ارضی می‌شوند. پس از آماربرداری در صورت توافق بین مالک و زارع، اراضی بر مبنای بهره مالکانه یک‌سوم مالک و دو سوم زارع بین زارعین و مالکین تقسیم می‌شد. در غیر این صورت مبلغی که توسط کارشناسان مشخص می‌شد را رعیت موظف بود به مالک بپردازد و سند مالک ابطال و سند را به نام رعیت ثبت می‌کردند. مزارعی که در محدوده شهر بودند از جمله ملک اصلی دهکرد، مزارع تهلیجان، شوره بومی، خلیف‌آباد، خراج، حاجی‌آباد، بلاد خواجه، محب‌آباد شامل اصلاحات ارضی نشدند. مزارع دوتو، حسین‌آباد، قلنگان، دره شاه منظر، دره مجویی، دره چاهی، دره چشمه سفید، دره مهدی سفلی و علیا، دشت دی، حاج کھوا، رحمت‌آباد در دو مرحله شامل اصلاحات ارضی شدند. مدتی پس از آمارگیری برخی از خرده‌مالکان نیز حاضر شدند مزارعشان را به نسبت دو به یک تقسیم کنند از جمله آقا رحیم امامی. اما اکثریت خرده‌مالکان اعلام کردند که ما قصد فروش زمین‌هایمان را داریم. با توجه به نظر کارشناس‌هایی که از تهران آمده بودند قیمت زمین مشخص شد و طی دوازده سال مبلغ مشخص شده به خرده‌مالک پرداخت شد (مهندس رضا بنی‌طالبی، ۱۳۹۸/۴/۱۸).

تشکیل اداره ساواک در شهرکرد

ساواک نتیجه اوضاع و شرایط حاکم بر کشور در اوایل دهه‌ی ۱۳۳۰ بود. در آن زمان محمدرضا شاه که به دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حکومت و تاج و تخت خود را باز یافته بود درصدد تثبیت و تحکیم پایه‌های قدرت خود برآمد. در سال‌های اولیه بعد از کودتا فرمانداری نظامی تهران این وظیفه را بر عهده داشت؛ اما ناممکن بودن وضعیت حکومت نظامی، مبارزه با کمونیسم و لزوم وجود سازمانی برای

مبارزه با مخالفان، رژیم و حامیان آن، را به فکر ایجاد سازمانی گسترده‌تر انداخت. انگلیس و ایالات متحده آمریکا که منافع عمده‌ای در ایران و منطقه داشتند، حفظ امنیت و تثبیت حکومت دیکتاتوری و استبدادی محمدرضا شاه را ضروری می‌دانستند؛ لذا با همکاری رژیم به تشکیل و تقویت نیروهای پلیسی و امنیتی همت گماشتند. ساواک مهم‌ترین نهاد امنیتی اطلاعاتی بود که در سال ۱۳۳۵ در ایران تأسیس شد و پس از تصویب قانون آن در مجلس سنا و مجلس شورای ملی، گارد شاهنشاهی، ژاندارمری و نیز واحدهای اطلاعاتی و سری رکن دو ارتش، بازرسی شاهنشاهی و دفتر ویژه اطلاعات، وظیفه ایجاد و حفظ امنیت در قلمرو حکومت شاهنشاهی ایران را عهده‌دار شدند (نجاری راد، ۱۳۷۸: ۲۶).

ساواک مهم‌ترین نهاد -امنیتی اطلاعاتی بود که در سال ۱۳۳۵ در ایران تشکیل شد. سازمان اطلاعات و امنیت فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری در فروردین ۱۳۴۳ به ریاست سرهنگ ستاد حسین ترابی در شهرکرد تشکیل و شروع به کار نمود. در سال‌های بعد به ترتیب افرادی به نام سرگرد نصرت‌الله نگهبانی (۱۳۴۵-۱۳۴۴)، سرهنگ احمد فرزانه (۱۳۴۷-۱۳۴۵)، سرهنگ غلامحسین محبوبیان (۱۳۵۳-۱۳۴۷)، سرهنگ محمود سیاحتگر (۱۳۵۵-۱۳۵۳) ریاست ساواک را بر عهده داشته‌اند. در مقطع منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، سرگرد مجتبی کامکار رئیس ساواک استان بوده است. نامبرده از سال ۱۳۵۵ این سمت را به عهده داشته است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: پنج).

سازمان زنان شهرکرد

یکی از سازمان‌های دولتی که زیر نظر اشرف پهلوی ایجاد شد، سازمان زنان بود که در کنار وظایف آموزشی به زنان از قبیل آموزش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و هنری سعی داشت جامعه سنتی را با فرهنگ جدید غربی آشنا کند. این سازمان نقش تبلیغی برای رژیم داشت و حتی در مواردی به فرهنگ عمومی و سنتی مردم بی‌توجه بود. سازمان مذکور در شهرکرد نیز همانند سایر شهرهای ایران تشکیل شد.

بررسی اسناد نشان می‌دهد که بی‌بی عظیمه بختیار مأموریت داشته تا سازمان زنان را در شهرکرد و بروجن تشکیل دهد. در گزارش وی به ساواک چهارمحال و بختیاری، به‌صراحت به این موضوع اشاره شده است. اینجانب پس از انتخاب به سمت مشاور امور اجتماعی فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری در اوایل تیرماه ۱۳۴۵ خود را به فرماندار کل معرفی نموده در ادامه همین سند اشاره گردیده است که بنا بر امر والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالیّه سازمان زنان و همچنین آقای انصاری طی چندین نامه دستور داده بودند که از بودجه شهرداری‌ها برای تشکیل سازمان زنان کمک بشود و یک باب ساختمان مناسب اجاره نمایند و برای ایاب و ذهاب خانم‌های عضو دهات منطقه ماشینی در اختیار سازمان قرار دهند و اینجانب عین تلگراف و نامه و دستورات وزیر کشور را به فرماندار دادم. محتوای این سند به‌خوبی نشان می‌دهد که سازمان زنان در شهرکرد توسط بی‌بی عظیمه بختیار تشکیل و هزینه‌های آن از محل اعتبارات شهرداری تأمین می‌شده است. مدتی هم گیتی یداللهی ریاست سازمان زنان را عهده‌دار بوده است (فتاحی نافچی - ظفری ریگی، ۱۳۹۹: ۳۸۵/۱-۳۸۴).

ساختمان سازمان زنان در خیابان شریعتی امروزی در کنار کلینیک آیت‌الله کاشانی در جایی که امروزه سازمان بهزیستی قرار گرفته بوده و در کنار کاخ جوانان قرار داشته. اوج فعالیت این سازمان در سال ۱۳۵۴ زمانی که شهبانو به شهرکرد آمدند. مدتی هم ملیحه فروزنده رئیس این سازمان بود. جشن‌های این سازمان به‌صورت مختلط برگزار می‌شد (نسرین هادیان، ۱۳۹۸/۵/۶). اگرچه ظاهراً یکی از اهداف این سازمان تشویق زنان به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی بود. ولی به نظر می‌رسد به این جنبه از اهداف سازمان، کمتر اهمیت داده شد و زنان با برنامه‌های اجتماعی و حضور در جامعه به‌صورت موردنظر سازمان موافق نبودند، تنها علاقه آنها به آموزش فراگیری هنرهای جدید، باعث شده بود به‌صورت گسترده در این کلاس‌ها شرکت نمایند.

ب- تکاپوی نهادهای غیردولتی و مردمی

برگزاری مجلس ختم آیت الله بروجردی در شهرکرد

سال ۱۳۴۰ در تاریخ ایران، سالی پراهمیت است. همچنان که سرآغاز یک دهه‌ی پر تحول در تاریخ ایران می‌باشد، سرآغاز فصل نوینی در تاریخ مبارزات روحانیت نیز می‌تواند ارزیابی شود. تنها ده روز از این سال می‌گذشت که آیت الله بروجردی مرجع بزرگ شیعیان جهان رحلت کرد. با انتشار خبر فوت آیت الله بروجردی مراسم ترحیمی برای ایشان در مسجد جامع برگزار شد و دسته عزاداری نیز به راه افتاد حزن و اندوه خاصی مخصوصاً در میان معمرین شهر وجود داشت (سید تقی جعفریان، ۱۳۹۸/۴/۲۰).

انجمن حجّیه شهرکرد

انجمن حجّیه یکی از گروه‌های مؤثر علیه رژیم پهلوی در چهارمحال و بختیاری به‌ویژه در بخش مبارزه فرهنگی محسوب می‌شود. هدف اصلی آنها تبلیغ بر ضد بهائیت و ترویج عقاید اسلامی و شیعی بود.

در اوایل دهه ۱۳۵۰ تشکلهای سیاسی و مذهبی خاصی در سطح استان فعال نبودند تنها تشکل فعال انجمن حجّیه بود. آنها تحت عنوان انجمن فعالیت نمی‌کردند. هسته اولیه این انجمن سید تقی جعفریان، حیدر ملک پور، حیدر سجادی، خسرو نیک‌خواه، محمد دانش، رحمان استکی بودند. در ابتدا جلسات این انجمن (جلسات قرآن و نهج‌البلاغه) در منزل پدر شهید رحمان استکی و سید تقی جعفریان تشکیل می‌شد. از اهداف اصلی انجمن ترویج عقاید اسلامی و شیعی و مقابله با عقاید بهائیت بود ازجمله اقدامات انجمن حجّیه در شهرکرد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. برگزاری جلسات تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه، ارائه جزوه در نقد بهائیت، شناسایی دانش‌آموزانی که زمینه مذهبی داشتند و دعوت آنها به جلسات خانگی که ازجمله می‌توان به حبیب‌الله فاضلیان، احمدرضا بسیج، خسروی درانی، محمدعلی صادقی و... اشاره کرد؛ فرستادن افراد به‌عنوان نیروی نفوذی در جلسات بهائیت، تشکیل انجمن مددکاری ولیعصر برای ایام شهرکرد، فرستادن افراد به مناطقی از استان که بهائیان سکنی داشتند و مسلمان کردن چند تن از آنها، برگزاری کلاس عقاید و تربیت مدرس جهت تبلیغ مذهبی در مدارس و بحث‌وجدل با بهائیان (فتاحی نافچی - ظفری ریگی، ۱۳۹۹: ۶۷/۲-۶۴).

بر اساس گزارش ساواک تعدادی از اهالی شهرکرد و فارسان ازجمله سید تقی جعفریان، مسعود یگانه، حیدر ملک پور و عده‌ای دیگر در شهرکرد، فارسان، گهرو جلسات قرآن برگزار می‌کنند و در ضمن برگزاری برنامه‌های خود فعالیت‌های ضد بهایی هم دنبال می‌کنند و به انجا مختلف از ادامه تبلیغات و اشاعه و گسترش افکار بهائیان در شهرها و روستاها جلوگیری می‌کنند. در پایان این گزارش ساواک اعلام می‌کنند که این افراد به دنبال آن هستند تا بدون جلب‌توجه به فعالیت‌های ضد بهایی خود ادامه دهند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

درهرحال، انجمن تا آغاز پیروزی انقلاب، به فعالیت‌های فرهنگی بر ضد فرقه بهائیت اشتغال داشت و تلاش می‌کرد تا به تربیت نیرو برای مقابله با بهائیان و تبلیغات آنان بپردازد. انجمن ضمن مبارزه با بهائیت توانست جمع زیادی از نیروهای جوان را به خود جذب کرده و آنان را با مسائل اعتقادی آشنا کنند این آشنایی و تربیت نیروی فکری در جهت ایستادگی در برابر اندیشه‌های الحادی ازجمله مارکسیسم نیز کارکرد داشته است (فتاحی نافچی - ظفری ریگی، ۱۳۹۹: ۸۳/۲).

لازم به ذکر است که اعضای فعال انجمن حجّیه شهرکرد با انجمن حجّیه اصفهان ارتباط بسیار نزدیکی داشتند آنها از اعضای انجمن حجّیه اصفهان ازجمله علی‌اکبر پرورش دعوت می‌کردند تا برای مردم سخنرانی کنند به‌طوری‌که در اسناد ساواک به سخنرانی آقای علی‌اکبر پرورش در شهرکرد اشاره شده است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روز شمار چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۶۵).

گروه توحیدی محرم سرخ

گروهی از جوانان شهرکردی در سال ۱۳۵۵ برای مبارزه با رژیم پهلوی یک تشکل سیاسی نظامی به وجود آوردند. مهندس غلامرضا بنی‌طالبی، شکرالله چراغیان، محمد خبازی، عبدالصمد رجیبیان، جهانگیر خبازی، علی پناهی، محمود موسویان، محمد خسروی، گروه توحیدی محرم سرخ تشکیل دادند. ریاست این گروه را مهندس غلامرضا بنی‌طالبی که کارمند کارخانه قند هفشجان بود، برعهده داشت. از این رو مکان تشکیل جلسات این گروه خانه سازمانی بود که کارخانه قند در اختیار مهندس بنی‌طالبی قرار داده بود و تمام هزینه این تشکل را نیز مهندس غلامرضا بنی‌طالبی متقبل می‌شد. یک اصل در این تشکل حاکم بود که سعی کنید در مورد همدیگر اطلاعات کمتری داشته باشید و مواردی که دانستن آنها کمکی به شما نمی‌کند را از ذهن خود دور سازید تا در صورتی که توسط ساواک دستگیر شدید، اطلاعات زیادی برای فاش کردن نداشته باشید. این گروه فعالیت‌های مخفیانه‌ای را علیه رژیم انجام می‌دادند (جهانگیر خبازی، ۱۳۹۸/۴/۱۷). از جمله اقدامات این گروه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. جمع‌آوری اسلحه، آموزش فنون رزمی (کاراته، تکواندو) و آمادگی جسمانی به اعضای گروه، برگزاری اردوهای کوهنوردی در کوه‌های اطراف شهرکرد. آموزش ساخت سهرای، کوکتل مولوتف، تکثیر اعلامیه‌ها، نوارهای سخنرانی امام و دیگر مبارزان در شهرکرد؛ تبادل اطلاعات با دیگر گروه‌ها؛ توسعه تشکیلات (شکرالله چراغیان، ۱۳۹۸/۵/۹).

نقش و نحوه حضور روحانیون در شهرکرد

روحانیون یکی از قشرهای متنفذ دینی جامعه ایران هستند که از دیرباز در تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی ایران تأثیرات بسیار زیادی گذاشته‌اند. روحانیون بومی شهرکرد در دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ عبارت‌اند از محمدعلی صفر نوراللهی، عطاءالله احمدی، مصطفی السید، حجت‌الاسلام محمدعلی صفر نوراللهی نماینده آیت‌الله خویی بودند و مبلغانی را که از دفتر آیت‌الله خویی در ماه رمضان، ماه محرم و صفر به شهرکرد فرستاده می‌شدند را در روستاهای حومه شهرکرد می‌فرستاد و بر کار آنها نظارت داشتند. ساواک همواره رفتار ایشان را زیر نظر داشت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۲).

سید عطا احمدی منزل ایشان محل اسکان مبلغین و روحانیونی که از قم به استان می‌آمده‌اند، بوده است. ضمن آنکه خود ایشان نیز در تحریک مردم برای مبارزه با رژیم ستم‌شاهی، نقش مؤثر و مثبتی داشته و در برخی از راهپیمایی‌ها، پیشاپیش مردم حضور پیش‌گامان‌های داشته است (پیشین: ۱۷۲) ایشان نماینده آیت‌الله گلپایگانی در شهرکرد بودند. مبلغانی را که از دفتر آیت‌الله گلپایگانی در ماه رمضان، ماه محرم و صفر به شهرکرد فرستاده را در روستاهای حومه شهرکرد می‌فرستاد و بر کار آنها نظارت داشتند (منصور قاسمی، ۱۳۹۸/۴/۱۲). سید مصطفی السید اقامه جماعت مسجد خان (جامع) و بعضاً مسجد ابومحمد و پاسخگویی به مراجعات مردم و رفع مشکلات آنان از اموری بود که حاج آقا مصطفی به آن مداومت داشت. ایشان نماز جمعه دوران شاه را برگزار می‌کرد. زعامت حوزه علمیه امامیه شهرکرد و انجام تعمیر اماکن مذهبی از محل درآمدهای رقبات وقفی و کمک‌های مردمی، از دیگر اقدامات شاخص ایشان است. مسئولان اداری از استاندار گرفته تا روسای ساواک و شهربانی و سایر ادارات از نفوذ کلام و محبوبیت اجتماعی آقا مصطفی حساب می‌بردند. از این رو در گرفتاری‌ها که معمولاً برای وعاظ و سایر دستگیرشدگان پیش می‌آمد، بعضاً دخالت و پادرمیانی ایشان به استخلاص آنان می‌انجامید. ایشان پشتوانه خوبی برای متدینین محسوب می‌گردید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارمحال و بختیاری، پیشین: ۱۷-۱۶).

تعداد روحانیون شهرکرد در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ بسیار محدود بوده، وجود تعداد زیادی مسجد در شهرکرد که در ماه‌های محرم و صفر خواهان حضور روحانی در آنها بودند مانند مسجد ابوالفضل، مسجد نو، مسجد جامع، مسجد ابو محمد، مسجد اتابکان (امام صادق)، مسجد صاحب‌الزمان و حسینیة اعظم باعث می‌شد تا افراد فعال مذهبی روحانیون را از شهر قم و دیگر شهرها به شهرکرد دعوت کنند (منصور قاسمی: ۱۳۹۸/۴/۲) و از جمله روحانیونی که در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ به شهرکرد برای روشننگری و تبلیغ

وارد شده‌اند می‌توان به حجج الاسلام علی صفدری هرسینی، آیت‌الله طباطبایی، حاج آقا فلسفی (حاج آقا هاشمی نژاد)، معظم زاده، حاج آقا امامی، سید محمدتقی بشارت دهقانی، سید اصغر ناظم زاده، حاج آقا محمدعلی نصیری (حاج آقا ادیب)، حاج آقا کافی، شیخ احمد سالک (کاشانی)، معظمی، حاج آقا رضوانی، حسین (عباس) برات نژاد، نظری، حسین طباطبایی (حسین معتمدی)، سید صالح کمیلی، سید جلال طاهری، علی سعیدی، حاج آقا شریعتی، محمد جعفری اشاره کرد. و همچنین برخی از طلاب نیز از دفتر مراجع تقلید آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله خویی به شهرکرد می‌آمدند (حبیب‌الله رحمتی: ۱۳/۵/۱۳۹۸).

روحانیون مدعویی که به شهرکرد می‌آمدند اکثر اوقات در مدرسه امامیه و گاهی نیز در منازل رحمان استکی، محمد دانش و حاج آقا عطا احمدی، چراغیان، عبدالهیان، حجازی اسکان می‌گزیدند. آنها در آخر شب جلسات خصوصی با نیروهای مذهبی و انقلابی شهر داشتند و اخبار و مطالبی را که نتوانسته بودند به صورت صریح و روشن در مساجد بیان کنند با نیروهای مذهبی و انقلابی شهر در میان می‌گذاشتند و آنها را در چگونه مبارزه کردن با رژیم یاری می‌رساندند. آنها گاهی یک دهه یا چند روز در شهرکرد حضور داشته‌اند. به علت حضور کوتاه مدتشان در شهر امکان دستگیری آنها توسط ساواک کمتر بود (لطف‌الله داوودی: ۱۳/۴/۱۳۹۸).

البته لازم به ذکر است که حضور روحانیون مدعو در شهرکرد بر روند تحریک و تشویق مردم تأثیر بسیار داشت. آنها در سخنرانی‌های خود از ظلم و ستم‌های رژیم و از اقدامات ظالمانه رژیم در دیگر شهرها سخن می‌گفتند و این امر آگاهی مردم را در پی داشت. حضور روحانیون مدعو در شهرکرد بر روند انقلابی شدن مردم تأثیر بسیار داشت مهم‌ترین نقش آنها عبارت‌اند از: آگاه کردن مردم از مظالم و مفساد خاندان پهلوی؛ آگاه کردن مردم از حرکت‌های مردمی در سایر شهرهای کشور در مخالفت با رژیم؛ اطمینان بخشیدن به مردم از متزلزل شدن رژیم پهلوی (مریم رفیعی وردنجان، ۱۳۹۴: ۸۱).

۲. تحولات انقلاب در شهرکرد

تأثیر اندیشه‌های دکتر شریعتی در ایجاد روحیه انقلابی

رویدادهای تاریخ معاصر ایران طی دو دهه پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷ را نمی‌توان به درستی تحلیل کرد؛ مگر اینکه از شریعتی به عنوان یک اندیشمند برجسته سیاسی - مذهبی یاد کرد. شریعتی از سال ۱۳۴۴ در حسینیه ارشاد که با همت گروهی خیراندیش ساخته شده بود، یک سلسله سخنرانی پیرامون اسلام‌شناسی، جامعه‌شناسی و تاریخ اسلامی ایراد کرد. سخنرانی‌های وی با استقبال وسیع طبقه جوان و دانشجویان روبرو شد. کتاب‌ها و نوشته‌های او با تیراژی بی‌سابقه انتشار یافت و نوار و گفته‌هایش نیز در سراسر ایران پخش شد. مرداد سال ۱۳۵۲ ساواک از نفوذ کلام و افکار انقلابی شریعتی در میان نسل جوان نگران شده بود، حسینیه ارشاد، آن قدر شهرت یافت که علاوه بر دانشجویان، عده زیادی از روشنفکران جوان را نیز به خود جذب کرد؛ به گونه‌ای که در تابستان ۱۳۵۱ بیش از شش هزار دانشجو برای حضور در درس‌های شریعتی ثبت نام کرده بودند (نجاتی، ۱۳۹۰: ۴۵۹).

علی‌رغم مخالف رژیم پهلوی با اندیشه‌های دکتر علی شریعتی و ممنوعیت مطالعه آثار ایشان کتاب‌ها و نوارهای سخنرانی‌هایش در میان نیروهای مذهبی و انقلابی دست به دست می‌شد. سخنان شریعتی پاسخی به نیازهای آن زمان بود. اندیشه‌های وی اندیشه‌های پویایی بود که حرکت را به دنبال داشت. سخنرانی‌های ایشان محرک نیروهای مذهبی و انقلابی بود و در آنها روحیه انقلابیگری و شوق شهادت ایجاد می‌کرد. آثار ایشان در کنار دیگر کتاب‌ها در نمایشگاه‌هایی که نیروهای مذهبی و انقلابی برپا می‌کردند، قرار داشت و یکی از پرفروش‌ترین محصولات فرهنگی عرضه شده در نمایشگاه‌ها بود. مطالعه آثار دکتر علی شریعتی از جمله کتاب حج، شهادت، علی ابرمرد تاریخ به افراد فعال مذهبی و انقلابی توصیفی از یک حکومت اسلامی را ارائه می‌داد و حس تنفر از رژیم را در آنها ایجاد می‌کرد و چنان انگیزه‌ای برای مبارزه در آنها ایجاد می‌کرد که حاضر بودند برای مبارزه با حکومت پهلوی از هر روشی بهره گیرند (اشرف فضلی، ۱۳۹۸/۵/۳۰). گزارش ساواک به پخش و توزیع کتاب‌های مضربه و تحریک‌آمیز از جمله آثار دکتر علی شریعتی مزینانی، مهندس

بازرگان و امام خمینی توسط صاحبان کتابفروشی‌ها اشاره دارد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۹۴).

درگذشت مشکوک حاج آقا مصطفی خمینی

درگذشت ناگهانی حاج آقا مصطفی پسر بزرگ امام خمینی در آبان ۱۳۵۶ موج تازه‌ای از اعتراض و تنفر را نسبت به رژیم پهلوی در اذهان عمومی ایجاد کرد. حاج آقا مصطفی روحانی مبارزی بود که از آغاز مبارزه در کنار پدر بود. با فوت مشکوک وی، مجالس ترحیم در بسیاری از شهرهای ایران برگزار شد و بار دیگر یاد و خاطره امام خمینی جان تازه‌ای به جریان مبارزه علیه طاغوت زمان داد. فوت مشکوک حاج آقا مصطفی خمینی همه را ناراحت کرده بود. در شهرکرد نیز مراسم یادبودی برای ایشان در مدرسه امامیه، مسجد صاحب‌الزمان و مسجد ابوالفضل برگزار شد. در جلسه‌ای یادبودی که در مدرسه امامیه برگزار شد بیشتر نیروهای مذهبی و انقلابی شهر و طلاب جوان حضور داشتند، ضمن قرائت قرآن برای آن مرحوم و یکی از طلبه‌ها هم مطالبی پیرامون اقدامات حکومت پهلوی ایراد کرد.

در مسجد صاحب‌الزمان نیز مراسم یادبودی برای حاج آقا مصطفی خمینی با حضور روحانی با نام رضوانی در برگزار شد. ایشان پس از نماز مغرب و عشا سخنرانی کرد، در آن سخنرانی از روح‌الله الموسوی الخمینی نام برد و مطالبی را علیه رژیم مطرح کرد. رحمان استکی شبانه این روحانی را از شهر خارج کرد (حبیب‌الله رحمتی، ۱۳۹۴/۵/۱۴).

فعالیت‌های انقلابیون در نیمه اول سال ۱۳۵۷

در ماه‌های اول سال ۱۳۵۷ اگرچه حرکاتی به‌صورت علنی و آشکار علیه حکومت پهلوی در شهرکرد صورت نگرفت. تشکیل جلسات و اجتماعات مختلف، دعوت از سخنرانان و پخش اعلامیه و شعارنویسی در شهرکرد توسط انجام‌شده محتوی این اعلامیه‌ها بیشتر در مورد حوادثی است که در آن روزها در شهرهای مختلف ایران در حال رخ دادن بوده است و برخی از معلمان و طلاب در جمع‌هایی که حضور پیدا می‌کنند از وقایع و حوادث اخیر صحبت‌هایی می‌کنند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۳۱۵، ۲۵۱، ۲۶۳، ۲۶۰، ۲۵۸، ۲۴۹، ۲۴۱، ۲۱۴، ۲۱۳).

لازم به ذکر است که اعلامیه‌ها از طریق افرادی که به دیگر شهرها ازجمله قم، اصفهان، شیراز مسافرت کرده و نسخه‌ای از اعلامیه را به دست آورده و در شهرکرد تکثیر می‌کردند یا از طریق طلاب و روحانیونی که یا دانشجویانی که وارد شهرکرد می‌شدند در اختیار نیروهای مذهبی و انقلابی قرار می‌گرفت. نحوه تکثیر اعلامیه به روش‌هایی ازجمله اینکه با دستگاه‌های پلی‌کپی برخی ادارات و مدارس به‌صورت مخفیانه انجام می‌شد که این کار برای کارکنان آن بسیار خطرناک بود یا به روش‌های دستی انجام می‌شد (شکرالله چراغیان، ۱۳۹۸/۵/۹).

شعارنویسی یکی دیگر از فعالیت‌هایی است که توسط نیروهای مذهبی و انقلابی مخالف رژیم در حال انجام شدن است. به‌طوری‌که آنها برخی دیوارهای ورودی شهر را برای نوشتن اخبار و آگاه ساختن مردم را از حوادثی که در کشور در حال جریان است انتخاب می‌کردند. آنها با اسپری رنگ بر روی دیوار به شعارنویسی می‌پرداختند. ازجمله در خرداد ماه در برخی از دبیرستان‌ها ازجمله دبیرستان شاپور جمله «دروغ بر خمینی» بر دیوار این مدرسه نوشته شده بود که معاون و مدیر مدرسه را واداشت تا فوراً آن را از بین ببرند. همچنین در تابستان سال نیز جسته‌گریخته بر روی دیوارهای شهر شعارها یا اسم یا تصویر کسانی که توسط رژیم به شهادت رسیده بودند، نوشته شده بود. ازجمله تصویر شریف واقفی بر روی برخی دیوارهای شهر دیده می‌شد که ساواک فوراً نسبت به امحای آن اقدام کرد. یکی از اقدامات اساسی در نیمه اول سال ۱۳۵۷ توزیع اعلامیه و شعارنویسی بود که توسط جوانان و نوجوانان شهرکردی به شیوه‌های مختلف ازجمله انداختن اعلامیه در منازل صورت می‌گیرد (نورالله حیدریان، ۱۳۹۸/۴/۲۴).

ساواک در خرداد ماه اذعان می‌کند که به دنبال تظاهرات اخیر شهرهای ایران تعداد زیادی از زنان و دختران بی‌حجاب شهرکردی چادری شده و برنامه‌های مذهبی توسعه گرفته و در نتیجه گرایش افراد نسبت به مسائل مذهبی و شرکت در برنامه‌های دینی روز به روز بیشتر شده و مردم نسبت به دستگاه‌های اداری و پیشرفت‌های اخیر بدبین شده‌اند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۴۲). فعالیت‌ها و حوادث مربوط به مردادماه، بیش از هر چیز در پیوند با ماه مبارک رمضان است. حجت‌الاسلام احمد سالک (با نام مستعار احمد کاشانی)، محمدتقی بشارت و حجت‌الاسلام ابراهیم فلسفی (با نام مستعار حاج هاشمی) کسانی بودند که در ماه رمضان سال ۱۳۵۷ در مساجد شهرکرد به دمیدن روح انقلابی و تقویت روحیه انقلابی‌گری در مردم پرداختند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روز شمار چهارم‌حال و بختیاری، پیشین: ص ۱۱۳ و هفت) و بالاخره در شهریور ماه اولین اعتراض علنی و آشکار مردم شهرکرد در روز عید فطر پس از برگزاری نماز عید صورت گرفته. نماز عید فطر سال ۱۳۵۷ نیز در حسینیه اعظم شهرکرد اقامه شد. حجت‌الاسلام محمدعلی نصیری نماز عید فطر را در شهرکرد برپا کرد و در خطبه‌های نماز سخنرانی بسیار تند و آتشینی انجام دادند که منجر به این شد که نماز گذاران شعار درود بر خمینی و شعار علیه حکومت شعار دهند (محمد دانش: ۱۳۹۸/۴/۲۵) بنا بر گزارش ساواک در این روز دویست نفر در نماز حضور داشتند در حسینیه اعظم مردم درود بر خمینی می‌گفتند و شعار دادن جمعیت تا درب ورودی حسینیه اعظم بیشتر ادامه نداشت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۰۰. رجوع به ضمیمه شماره ۲).

برپایی نمایشگاه‌های کتاب و عکس

در فضای باز سیاسی ایجادشده در سال ۱۳۵۷ نیروهای مذهبی و انقلابی در سراسر کشور به این نتیجه رسیده بودند اگر بخواهند به‌صورت بنیادین حرکت کارساز و مؤثر در جهت مبارزه با حکومت انجام دهند باید رشد فکری مردم ارتقا پیدا کند. کتاب نقش مؤثری در تعمیق و تعمیم بینش انقلابی و اسلامی مردم داشته و دارد. از این‌رو نمایشگاه‌های کتابی در سراسر کشور با هدف افزایش رشد فکری مردم برپا شد.

در شهرکرد نیز نمایشگاه‌ها در سال ۱۳۵۷ دو الی سه نمایشگاه کتاب و عکس در مدرسه محمدرضا شاه پهلوی، حسینیه اعظم شهرکرد و مسجد صاحب‌الزمان برگزار شد. دانشجویان دانشگاه اصفهان از جمله این افراد اسفندیار جعفری، ابوالقاسم بزرگی و مصطفی فولادی و اسفندیار کاوه، علمدار ابراهیمی، مصطفی رجایی به پیشنهاد نیروهای انقلابی شهر از جمله (رحمان استکی، رحمان رضوی، لطف‌الله داوودی، محمد دانش، حسین نیکخوا، علی پناهی) کتاب‌های نمایشگاه‌ها را فراهم کردند. آنها کتاب‌ها را از تهران، قم و خریداری می‌کردند (اسفندیار جعفری: ۱۳۹۸/۵/۲۱). نیروهای فرهنگی و دانش‌آموزان در چنین کتاب‌ها با افراد فعال در نمایشگاه کتاب همکاری می‌کردند. در همین نمایشگاه‌ها کتاب‌های تاریخی، رمان، ادبی (دیوان حافظ و سعدی و شاهنامه) و در کنار آنها نیز کتاب‌های ممنوعه (رساله امام خمینی، ولایت‌فقیه، کتاب‌های دکتر علی شریعتی، آثار بازرگان، شهید مطهری، دکتر آرام، جلال‌الدین فارسی، فریاد خلق، آثار اقتصادی بنی‌صدر، مانیفست مجاهدین، سرگذشت رضایی‌ها، کیش شخصیت بنی‌صدر، ماهی سیاه کوچولو) ارائه می‌شد. مسئولان نمایشگاه‌ها کتاب‌های ممنوعه را در بین کتاب‌های خریداری‌شده می‌گذاشتند (اسفندیار کاوه: ۱۳۹۸/۵/۲۱).

درمجموع می‌توان گفت نمایشگاه‌های کتاب، یکی از مکان‌های تبادل اندیشه و گسترش افکار و عقاید انقلابی در بین اقشار مختلف مردم بوده‌اند و در تعمیق و تعمیم بینش انقلابی و اسلامی مردم داشته و دارد.

بازگشایی مدارس و آغاز تظاهرات

در نیمه‌ی اول مهرماه تحرکات انقلابی در شهرکرد معطوف به استمرار آگاه‌سازی عمومی در قالب پخش اعلامیه و شعارنویسی و مستعد سازی مدارس برای شروع تظاهرات و اعتصابات بوده است. درست از نیمه مهرماه در چند دبیرستان شهرکرد پس از توزیع اعلامیه‌های دست‌نویس مبنی بر همدردی با دانش‌آموزان و معلمان کرمانشاه، قصر شیرین، بوکان، کاشان و زنجان (که در جریان اعتراضات متحمل صدمات گردیده و شماری شهید برجای گذاشته بود)، دانش‌آموزان و دبیران از حضور در کلاس‌ها خودداری و تظاهرات با اجتماع دانش‌آموزان و شعار دادن به نفع امام خمینی و سپس حضور در خیابان‌ها و شکستن شیشه سینماها استمرار یافت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۲۸، ۳۴۳، ۳۴۴).

بازگشایی مدارس به‌طور ناخودآگاه کانون جدیدی برای تغذیه انسانی تظاهرات فراهم ساخت، به‌ویژه اینکه نسل نوجوان و جوان با اشتیاقی روزافزون برای رقم خوردن ورق سرنوشت می‌کوشیدند. دانش‌آموزان و معلمان نخستین گروهی بودند که ابتدا با آغاز تظاهرات و سپس با اعلام درخواست‌های رفاهی خود و سپس افزودن اعتراض‌های اجتماعی و سیاسی دست به اعتصاب و تحصن زده و از رفتن به کلاس خودداری کرده‌اند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۵۰۷. ضمیمه شماره ۳). پس از آن موج اعتراض به دیگر ادارات دولتی از جمله اداره دادگستری نیز کشیده شده و کم‌کم مردم نیز ترس و وحشت‌شان از ساواک ریخته به‌طوری‌که در روزهای آخر این ماه جسارت یافته و همراه دانش‌آموزان وارد تظاهرات شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۴۲. ضمیمه شماره ۴).

گسترش روزافزون اعتراضات و تظاهرات

تظاهرات دانش‌آموزان و معلمان در آبان ماه به یک امر عادی و روزانه تبدیل شده است. تجمعات و تظاهرات دانش‌آموزان و معلمان در طول آبان ماه با سازمان‌یابی و شدت بیشتری استمرار پیدا می‌کند و گاهی این تجمعات و تظاهرات به خشونت کشیده شده و پلیس با پرتاب گاز اشک‌آور و با شلیک هوایی با تظاهرکنندگان مقابله می‌نماید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۷۸. ضمیمه شماره ۵) و حتی تظاهرات و تجمعات دانش‌آموزان و معلمان نیروهای انتظامی شهر را به ستوه و عجز آورده و منجر به این شده که شورای تأمین استان جلسه‌ای تشکیل داده و تقاضای اعزام یک گروهان نیروی کمکی از مرکز توپخانه اصفهان نماید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۶۵. ضمیمه شماره ۶) شدت تظاهرات در این ماه چنان است که بازار نیز به حالت نیمه تعطیل درآمده یکی از مهم‌ترین اتفاقات در این ماه صدور اطلاعیه توسط حجت‌الاسلام عطاءالله احمدی روحانیون مذهبی شهر و دعوت ایشان از تمام طبقات برای شرکت در راهپیمایی روز ۱۶ آبان و حمایت و پشتیبانی از شهدای ۱۳ آبان است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۹۳. ضمیمه شماره ۷) که از این زمان مردم عادی که کم‌وبیش با دانش‌آموزان و دانشجویان و معلمان همراه شده بودند، پس از این اطلاعیه به‌صورت گسترده‌تر در تظاهرات شرکت کردند. دانش‌آموزان در اعتراض به حادثه ۱۳ آبان در تهران منازل نیروهای نظامی حمله کرده و دانشجویان نیز عکس شاهنشاه و شهبانو را شکسته و به آتش می‌کشند؛ حتی برخی‌شان اعتصاب غذا می‌کنند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۴۰۵. ضمیمه شماره ۸). در روزهای پایانی این ماه دانش‌آموزان با حمله به مدارس که هنوز باز هستند و فعالیت آموزشی آنها برقرار است سعی می‌کند آنها را نیز با خود همراه سازند و مدارس را به تعطیلی بکشاند و نهایتاً معلمان و کارمندان دادگستری تصمیم به اعتصاب می‌گیرند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۴۱۱. ضمیمه شماره ۹ و ۱۰).

تظاهرات مهر و آبان شهرکرد از بعد زمانی و کمی و کیفی به نتایج قابل توجهی دست یافته بود؛ به این معنی که فاصله‌ی تظاهرات‌ها به تدریج کاهش یافته و به صورت حلقه‌های زنجیروار درآمده بودند، به طوری که مخالفان از هر سن و قشری بر تعطیلی بازار و مدرسه و برگزاری راهپیمایی عادت کردند. حتی اگر تظاهرات بزرگ و گسترده هم اعلام نمی‌شد، تجمعات جوانان در نقاط حساس و کلیدی شهر صورت می‌گرفت که معمولاً با زدوخوردهای پراکنده همراه بود.

تظاهرات تاسوعا و عاشورا سال ۱۳۵۷

مبارزه با رژیم پهلوی با فرا رسیدن تاسوعا و عاشورای حسینی به اوج خود رسید. فرارسیدن ماه محرم، فرصت خوبی برای گسترش موج حرکات انقلابی و تعیین تکلیف نهایی رژیم بود. از این رو امام خمینی در آستانه این ماه در پیام تاریخی اول آذر ۱۳۵۷، حلول ماه محرم را سرآغاز پیروزی بر جنود ابلیس و محو کلمه باطل برشمرد و عموم ملت را برای ادامه و گسترش مخالف با شاه و زیر کشیدن او، به قیامی یکپارچه و با تمام قوا دعوت نمود.

مردم در روز ۱۹ آذر ماه مصادف با تاسوعای حسینی همراه با دسته‌های مختلف عزاداری به خیابان‌ها آمده و درحالی که پلاکاردها و پارچه نوشته‌هایی که عکس امام خمینی بر روی آن بود، را در دست داشتند در خیابان‌ها به تظاهرات و عزاداری پرداخته و راهپیمایی باشکوهی را در شهرکرد برگزار شده و نهایتاً مردم در مسجد صاحب‌الزمان تجمع کردند. در این روز و شعارهای و نوحه‌های مردم و نوحه‌خوان‌ها رنگ و بوی سیاسی مذهبی به خود گرفته بود (نورالله حیدریان، ۱۳۹۸/۴/۲۴).

در روز عاشورا تظاهرکنندگان از چهارراه بازار به خیابان ملت و به سمت میدان مجسمه و سپس به سمت شمال شهر و خیابان حافظ رفته. سپس از جلوی بیمارستان شهرکرد (بلوار امین آزاد) به سمت چهارراه کارخانه برق و از آنجا به سمت چهارراه فردوسی و نهایتاً به چهار راه بازار (مسیر تظاهرات) رسیده‌اند. در روز عاشورا در شهرکرد حجت‌الاسلام محمدتقی بشارت دهقانی نماز ظهر روز عاشورا را اقامه کرده و سخنرانی آتشی در این روز ایراد فرمودند. با وجود اینکه نیروهای نظامی کمکی از هنگ اصفهان به کمک نیروهای ژاندارمری و شهربانی شهرکرد آمده بودند ولی درگیری بین مردم و نیروهای نظامی به وجود نیامد. براساس گزارش ساواک در روز عاشورای حسینی حدود شش هزار نفر از اهالی شهرکرد ضمن راهپیمایی مبادرت به شعارهای ضدملی و میهنی نموده (سید باقر حسینی، ۵۵۱۳۹۸).

پایین کشیدن مجسمه شاه در ۲۷ دی ماه

ده روز بعد از تشکیل دولت بختیار، محمدرضا شاه از ایران بیرون رفت (۲۶ دی ۱۳۵۷) فرار وی شور و شغف مردم مسلمان ایران را بیشتر کرد. با انتشار خبر خروج شاه از ایران مردم شهرکرد نیز به خیابان‌ها ریخته و فریاد الله اکبر سردادند. عکس شاه را پاره می‌کردند و عکس‌های امام را به اهتزاز درآوردند. این خوشحالی با اعلام خبر بازگشت امام خمینی به ایران دوچندان شد (اسفندیار جعفری، ۱۳۹۸/۵/۲۱).

در روز ۲۷ دی‌ماه ۱۳۵۷ آیت‌الله طاهری که از قبل دعوت شده بودند تا در سالن تختی شهرکرد برای مردم سخنرانی کند. اما ایشان نیامدند. لطف‌الله داوودی مقاله‌ای را قرائت کردند سپس پدر غلامحسین اختیاری سخنرانی ایراد نمودند که در آن سخنرانی از مجاهدت‌های نیروهای انقلابی و از اقدامات ظالمانه شاه سخن گفتند با به پایان رسیدن سخنرانی تظاهرات از سالن تختی شهرکرد آغاز شد. حرکت تظاهرکنندگان از خیابان امین آزاد شروع شد. ناگهان چند نفری در میان جمعیت گفتند ما دیروز در بروجن مجسمه شاه را پایین کشیده‌ایم شما چرا این کار را نمی‌کنید. ناگهان در بین جمعیت همه ایجا شد که برویم و مجسمه را پایین بکشیم (لطف‌الله داوودی، ۱۳۹۸/۴/۱۳).

جمعیت به سمت میدان مجسمه (میدان انقلاب فعلی شهرکرد) حرکت کردند. در مسیر مردم آنچنان با عجله و شتاب حرکت می‌کردند که کسی نمی‌توانست جلوی آنها را بگیرد. جمعیت به میدان مجسمه رسیده بود اما کسی نمی‌دانست که چگونه مجسمه را باید پایین آورد. سردهسته‌های تظاهرکنندگان در این فکر بودند که چگونه مجسمه را پایین بیاورند. ناگهان تریلی هیجده چرخه از سمت فرخ شهر وارد میدان شد. سردهسته‌های تظاهرکنندگان به پیش راننده تریلی رفتند و از ایشان خواستند تا این مجسمه را پایین بکشد. ایشان هم در ابتدا از انجام چنین کاری خودداری می‌کرد تا اینکه او را راضی کردند. راننده از آنها خواست بر روی پلاک‌های ماشین گل بمالند تا ماشین شناسایی نشود. حبیب‌الله فاضلیان و لطف‌الله داوودی بر روی پلاک‌های تریلی گل مالیدند. البته لازم به ذکر است که نیروهای نظامی شهر هم در خیابان حافظ به سمت استانداری و سمت خیابان دانشسرا حضور داشتند. اما جمعیت بسیار زیادی در آنجا حضور داشتند که نیروهای نظامی نمی‌توانستند هیچ‌گونه اقدامی انجام دهند. در اطراف مجسمه چراغ‌هایی برقی بود که شبانه‌روز آن چراغ‌ها روشن بودند. سید صادق حسینی، خدابخش بنی‌طالبی و روزبه خسروی از کارمندان اداره برق بر روی ستون رفتند و سیم‌های برق را قطع کردند. جلوی تریلی به سمت فلکه آبی قرار گرفت. سیم بوکسلی به سر اعلیحضرت بسته شد. تریلی به سمت جلو حرکت کرد. ناگهان سیم بوکسل پاره شد (محمدتقی کوهی فائق، ۱۳۹۸/۴/۲۶).

این بار سیم بوکسل را محکم بستند هم به سر مجسمه شاه و هم به سر اسب محکم بستند و با حرکت تریلی مجسمه از ساق پا شکسته شد. چون پاهای اسب با پیچ داخل ستون محکم شده بودند، با حرکت تریلی مجسمه از ساق پاهای اسب شکسته شد. مجسمه را به پایین انداختند. مردم که از خوشحالی به وجد آمده بودند و در حال کف زدن بودند مدام تکرار می‌کردند پول نفت‌مونه، بن‌داز و بشکن. پول نفت‌مونه، بن‌داز و بشکن. سپس با کلنگ به جان مجسمه افتادند و مجسمه را تکه‌تکه کردند و هرکس تکه از آن را برداشت (احمد جهانپور، ۱۳۹۸/۵/۱۵).

تشکیل کمیته حفاظت از شهر

امام خمینی بعد از ظهر ۲۶ دی‌ماه در جمع خبرنگاران ضمن تبریک گفتن به ملت ایران به مناسبت رفتن شاه، هشدار دادند که خروج شاه، پیروزی نیست، ولی طلبیه خلع سلطه اجانب است. امام از ملت خواستند که خودشان مواظب نظم مملکت باشند و جوانان غیور، کنترل شهرستان‌ها و دیه‌ها و قواها را به دست گیرند. از این‌رو کمیته‌هایی خودجوش در شهرکرد همانند دیگر شهرهای ایران به وجود آمدند. در ابتدا سه کمیته در سه ورودی شهرکرد از جمله در ورودی دروازه سامان، ورودی دروازه فارسان و ورودی دروازه اصفهان تشکیل شد. افرادی که در این ورودی‌ها مستقر شده بودند ورود و خروج‌های به داخل شهر را کنترل می‌کردند و امنیت شهر را تحت نظر داشتند و در مساجد محلات شهر نیز پایگاه‌های ایجاد شد که هر محله را تحت نظر داشتند و اکثر جوان‌های انقلابی به‌صورت داوطلبانه به‌صورت شیفتی حفاظت از شهر را برعهده داشتند و حتی برخی از افراد با وسایل نقلیه خود به‌صورت رایگان شبانه در شهر گشت می‌زدند و از شهر حفاظت می‌کردند (علی کریمیان: ۱۳۹۸/۵/۶).

۱۲ بهمن ماه و ورود امام خمینی به ایران

امام خمینی (ره) در پیامی به مناسبت اربعین، خطاب به ملت ایران وعده داده بود که به‌زودی به ملت ایران خواهد پیوست ایشان همچنین از اعضای شورای سلطنت خواست تا از شورا کناره گیرند و با ملت مخالفت نکنند همچنین به نیروهای مسلح توصیه نمود که در حفظ نظم بکوشند. در روز هفتم بهمن، در سراسر ایران راهپیمایی عظیمی به راه افتاد و راهپیمایان خواستار بازگشت امام خمینی به ایران شدند.

در شب یازدهم بهمن از طریق رسانه‌ها اعلام شد که فردا آیت‌الله خمینی به ایران باز خواهد گشت و مراسم ورود ایشان به ایران را تلویزیون پخش خواهد شد. در ۱۲ بهمن رهبر انقلاب با شکوه فراوان و در میان استقبال بی‌نظیر مردم وارد ایران شدند. اکثر مردم که در

آن تلویزیون نداشتند با رفتن با خانه اقوام ورود امام را از تلویزیون تماشا کرده‌اند (اشرف فضلی: ۱۳۹۸/۵/۳۰). تلویزیون آمدن امام را تا آنجایی که ایشان از پله‌های هواپیما پایین می‌آید، نشان داد و بعد تصویر قطع شد. با قطع شدن برنامه مردم به خیابان‌ها ریخته و در مسجد نو تجمع کردند و سرود خمینی‌ای امام روی تکه کاغذهایی توسط حبیب‌الله فاضلیان و حبیب نیکخو توزیع می‌شد و در اختیار همگان قرار می‌گرفت و همه با هم سرود «خمینی‌ای امام» را می‌خواندند و در این روز مردم با پخش نقل و شیرینی و روشن کردن چراغ اتومبیل‌های خود و با زدن بوق شادی و نشاط خود را اعلام می‌کنند (رضوان رضوی: ۱۳۹۸/۵/۱۹).

۲۲ بهمن و پیروزی انقلاب

در سایه همبستگی کم‌نظیر مردمی، امام خمینی در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با استقبال پرشور مردم وارد ایران شدند. پس از آن ملت مبارزه با دولت غیرقانونی بختیار را ادامه دادند مردم با کمک ارتش‌یانی که به انقلاب پیوسته بودند مراکز نظامی را در تهران و شهرهای بزرگ به تصرف خود درآوردند. رادیو و تلویزیون در اختیار مردم انقلابی قرار گرفت. تا اینکه در روز ۲۲ بهمن نظام پهلوی واژگون شد و مبارزه ملت ایران به رهبری امام خمینی به ثمر نشست.

مردم شهرکرد در روز بیست و دوم بهمن ماه همانند مردم دیگر شهرهای ایران از اینکه تمام زحمات و تلاش‌هایشان به ثمر نشسته و انقلاب پیروز شده بسیار خوشحال و شاد بودند و با پخش نقل و شیرینی و روشن کردن چراغ‌های ماشین‌های خود در شهر به شادی پرداختند. در بعدازظهر این روز تظاهراتی عظیم در شهرکرد شکل گرفت. نیروهای ژاندارمری حتی در روز ۲۲ بهمن در برابر تظاهرکنندگان آرایش نظامی گرفتند. اما نیروهای شهربانی که چند روز قبل با نصب پلاکاردهایی بر سر درب شهربانی اعلام حمایت از انقلاب کرده بودند در تظاهرات حاضر نشده و در ساختمان خود قرار داشتند.

در بیست چهارم یا بیست و پنجم بهمن ماه با بازگشت گروهانی که از حکومت نظامی ناجی فرماندار نظامی اصفهان به مناسبت تاسوعا و عاشورا به شهرکرد آمده بودند، نیروهای ژاندارمری شهرکرد هم تسلیم شدند و به انقلاب پیوستند. آنها نیز همانند نیروهای شهربانی پس از آن ظهور و بروز چندانی در شهر نداشتند و در ساختمان ژاندارمری حضور داشتند (شکرالله چراغیان، ۱۳۹۸/۵/۱۴).

خلع سلاح ژاندارمری و شهربانی

در اوایل پیروزی انقلاب نیروهای مجاهدین و کمونیست‌ها اصرار داشتند که با کمک نیروهای مذهبی شهربانی و ژاندارمری را تصرف و آنها را خلع سلاح کنند. نیروهای مذهبی و انقلابی از جمله رحمان استکی، رحمان رضوی، سیدتقی جعفریان نیز به دنبال آن بودند شهربانی و ژاندارمری را خلع سلاح کنند و اسلحه‌ها را از آنها پس بگیرند. اما چون برنامه مشخص و سازمان‌دهی شده‌ای هم نداشتند و از طرفی هم بیم آن را داشتند که اگر آنها را خلع سلاح کنند و اسلحه به دست گروه‌های با تفکر چپی بیفتد، چگونه می‌توانند آنها را پس بگیرند؛ از این رو رحمان استکی معتقد بود که اسلحه در همان ژاندارمری و شهربانی بمانند؛ ولی افرادی انقلابی را به آنجا بفرستیم که از اسلحه‌ها نگهداری بدهند و آنها را مسئول حفاظت از اسلحه‌ها قرار دهیم (حبیب‌الله رحمتی، ۱۳۹۸/۵/۱۳).

شعارهای انقلابی در شهرکرد

از دیرباز استفاده از شعار به عنوان ابزاری جهت شناساندن اهداف و خواسته‌های مختلف رایج بوده است. شعارها دارای کارکردهای مختلفی از جمله ارعاب دشمن، تهییج نیروهای خودی، ایجاد همبستگی و قدرت روحی، هدایت شعار دهندگان به سوی اهدافی خاص، تبیین ایدئولوژی و اندیشه‌های مختلف هستند. درواقع می‌توان گفت شعارها وسیله‌های مناسب برای توصیف و تبیین اوضاع و احوال اجتماعی و روان‌شناختی زمان خویش بوده و برای ارائه تحلیل‌های علمی و اوضاع اجتماعی و پژوهشی مواد خام گران‌مایه بشمار می‌رود (فرهنگ شعارهای انقلابی، ۱۹:۱۳۷۹). بخش زیر برخی از شعارهای مردم شهرکرد در تظاهرات سال ۱۳۵۷ سر می‌دادند، آورده می‌شود.

ما می‌گیم شاه نمی‌خواهیم، نخست‌وزیر عوض می‌شه، ما می‌گیم خر نمی‌خواهیم، پالون خر عوض می‌شه

از هاری گوساله بازم بگو نواره نوار که پا نداره.

ما بچه‌ها شعار می‌دیم / شاه بمیره نه‌ار می‌دیم

بعد از نماز عشا / صد مرتبه مرگ بر شاه

برزگر برزگر آزادت می‌کنیم.

نصر من الله و فتح قریب

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد، حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد

خون بر شمشیر پیروز است، کارتر کارتر نابود است.

نفت را کی برد، آمریکا. گاز را کی برد، شوروی. پولشا کی خورد پهلوی. پس مرگ بر این شاه. مرگ بر این شاه. مرگ بر این شاه. مرگ

بر این شاه

چین، شوروی، آمریکا، دشمنان خلق ما

این شورای سلطنت مردود ملت ماست/ تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست

مردان حق زندانند یا کشته در می‌دانند.

شهیدان زنده‌اند الله اکبر، به خون غلتیده‌اند الله اکبر

ای شاه خائن آواره گردی، خاک وطن را ویرانه کردی، کشتی جوانان وطن، الله اکبر، کردی هزاران تن کفن الله اکبر

یا محمد، نور امت. یاری بنما به رهبر ما، امام خمینی امام خمینی

رهبر آزادگان جهان است آیت الله خمینی انقلابی‌ترین مرد جهان است آیت الله خمینی

انقلابی‌ترین مرد جهان است آیت الله خمینی او فرستاده صاحب الزمان است آیت الله خمینی

مردم چرا نشستین ایران شده فلسطین

نقش افشار گوناگون در پیروزی انقلاب

انقلاب اسلامی با شرکت تمام افشار مردم و همه گروه‌ها و طبقات اجتماعی به پیروزی رسید. در این انقلاب، مردم از تمام افشار و

طبقات اجتماعی از قبیل روحانیون، معلمان، دانش آموزان، دانشجویان، کشاورزان، بازاریان، کارمندان، نظامیان و کارگران شرکت داشتند.

همه یک صدا با سردادن شعار «مرگ بر شاه» خواستار برکناری حکومت پهلوی و استقرار نظام جمهوری شدند.

نقش روحانیون

روحانیون و وعاظ با سخنرانی‌های خود نقش برجسته‌ای در وارد کردن مردم به صحنه‌های انقلابی داشتند، به‌طوری‌که حجت الاسلام

عطاءالله احمدی نیز در جریان مبارزان انقلاب با صدور اعلامیه‌ای در آبان ماه به تشویق و تحریک مردم برای شرکت در تظاهرات

پرداخت. روحانیون در ضمن سخنرانی‌های مذهبی، در قالب کنایه به مردم حرف‌های خود را بیان می‌کردند و با تشریح ظلم و

بیدادگری‌های حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس آنان را با ستمگری‌های دستگاه حکومت پهلوی آگاه می‌ساختند. چنانکه از آبان ماه ۱۳۵۷ به

بعد پس از هر سخنرانی تظاهراتی در شهر برپا می‌شد.

دانش آموزان

دانش آموزان نیز محدودیت‌های رژیم و زیر پا گذاشته شدن ارزش‌های اسلامی را به‌خوبی درک می‌کردند از این‌رو خواهان رفع این

محدودیت‌ها و اجرا شدن ارزش‌های اسلامی در جامعه بودند. از یک‌سو برخی از دانش‌آموزان از اوایل دهه ۱۳۵۰ با شرکت در جلسات

قرآن رحمان استکی یا دیگر جلسات قرآن که در شهر وجود داشت علاوه بر آشنایی با قرآن و مسائل اعتقادی و اسلام‌شناسی کم‌کم با مسائل سیاسی و انقلابی نیز آشنا می‌شدند از سوی دیگر این دانش‌آموزان در مدرسه نیز تحت تأثیر سخنان معلمان مذهبی و حتی گاهی معلمان چپی خود نیز قرار گرفته و در نهایت در شهرکرد دانش‌آموزان اولین کسانی بودند که در مدارس دست به اعتراض زده و چند روز پس از اعتراض، تظاهرات خود را آغاز کردند.

دانش‌آموزان با آغاز تظاهرات و با کشاندن اعتراض‌ها خیابان‌ها در ابتدا فرهنگیان را با خود همراه کرده سعی می‌کنند دیگر طبقات و مردم شهر را با خود همراه سازند.

درمجموع در مورد نقش دانش‌آموزان باید گفت آنها در به تعطیلی کشاندن مدارس، صدور اعلامیه، توزیع اعلامیه، همکاری آنها در برگزاری نمایشگاه کتاب و عکس، همکاری و همراهی با بازاریان در ایجاد فروشگاه‌هایی که در سطح شهر ایجاد شد و مشارکت آنها در بسته‌بندی و فروش اقلام و ارزاق خوراکی و همچنین در برپایی نمایشگاه کتاب نیز همکاری داشتند و نمی‌توان نقش آنها را در این جریان نادیده گرفت.

نقش معلمان

معلمان شهرکردی نیز همانند سایر طبقات جامعه در برخورد با قیامی که علیه حکومت پهلوی برپا شده بود، عکس‌العمل‌هایی متفاوتی نشان داده‌اند. آنها را می‌توان به معلمان همراه با ساواک، معلمان انقلابی (خواه نیروهای مذهبی و خواه نیروهای چپ) و معلمان بی‌طرف تقسیم‌بندی کرد. تعدادی از معلمان که با ساواک همکاری کرده باشند تعدادشان کم بود. تعدادی از مدیران مدارس و معلمان نیز به دلیل اینکه حقوق‌بگیر دولت بوده‌اند، در این جریان سکوت کرده‌اند یا با ساواک همکاری داشته‌اند (ابراهیم میر فروغی: ۱۳۹۸/۴/۲۰).

برخی دیگر از آنها را نمی‌توان متمایل به خاندان پهلوی یا همکار ساواک به حساب آورد مانند مدیران مدارس. آنها به دلیل اینکه کارمند دولت بوده‌اند مجبور بودند گزارش و قایعی را که در مدرسه اتفاق افتاده برای ساواک ارسال کنند و یا حتی به گفته برخی از دانش‌آموزان دبیرستان محمدرضا شاه مدیر مدرسه سعی می‌کرد در برنامه صبحگاه دانش‌آموزان را پند و نصیحت بدهد؛ ولی از انجام هرگونه حرکت ایذایی خودداری می‌کردند. اما گروه دیگری هم وجود داشتند که این گروه سعی می‌کردند دانش‌آموزان را به انحاء مختلف دانش‌آموزان را آگاه کرده در جریان روند انقلاب قرار دهند و مستقیم یا غیرمستقیم به‌سوی حرکت‌های انقلابی سوق دهند. ازجمله معلمان چپی که سعی می‌کرده با در اختیار قراردادن کتاب انقلابی ذهن دانش‌آموزان را به سمت مخالفت با رژیم پیش ببرند (سید تقی جعفریان: ۱۳۹۸/۴/۲۰).

دانش‌آموزان هم‌زمان با همراه کم‌کم از حضور در سر کلاس‌ها خودداری کرده و در این امر معلمان انقلابی نیز به آنها پیوسته‌اند و آنها را به ادامه‌دادن اعتراض‌های خود تشویق نموده‌اند و حتی گاهی اوقات با وجود حاضر شدن دانش‌آموزان سر کلاس معلمان از رفتن به کلاس خودداری کرده و در جریان تظاهرات در کنار آنها قرار داشته‌اند. اگرچه در شهرکرد حرکت‌های اعتراضی و اولین تظاهرات توسط دانش‌آموزان آغاز شده اما همین معلم‌ها بودند که دانش‌آموزان را مستقیم یا غیرمستقیم با مسائل سیاسی آشنا می‌کردند و آنها را به آغاز و ادامه حرکت‌های اعتراضی تحریک می‌کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۵۲ و ۳۵۳ ضمیمه شماره ۱۱ و ۱۲). در آبان ماه معلمان نیز به نشانه اعتراض از حضور در کلاس‌ها خودداری کرده‌اند و سعی کرده‌اند مخالفت خود را با رژیم با تشکیل «جامعه معلمان» اعلام کنند. در شهرکرد با آغاز تظاهرات توسط دانش‌آموزان و پیوستن فرهنگیان به دانش‌آموزان تظاهرات در شهرکرد فراگیر شد. کم‌کم پس از جریان ۱۳ آبان و اعلامیه حاج آقا عطاءالله احمدی سایر مردم نیز به انقلاب پیوسته‌اند (رحمان رضوی، ۱۳۹۸/۴/۱۶).

درمجموع می‌توان گفت معلمان با به تعطیلی کشاندن مدارس، صدور اعلامیه، توزیع اعلامیه، همکاری در برگزاری نمایشگاه کتاب و عکس، همکاری و همراهی با بازاریان در ایجاد فروشگاه‌هایی در سطح شهر و تشویق دانش‌آموزان برای همکاری در بسته‌بندی و فروش

اقلام و ارزاق خوراکی و برپایی نمایشگاه کتاب در جریان پیروزی انقلاب نقش داشته‌اند. بدون تردید نمی‌توان نقش مؤثر فرهنگیان در این جریان و ارتباطشان با دیگر اقشار جامعه را نادیده گرفت. لازم به ذکر است بررسی اسناد و مدارک و شواهد موجود نیز نشان می‌دهد که معلمان نقش مهمی در مبارزه علیه رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند.

۲-۵- نقش زنان

از جمله خانم‌های فعال در جریان تظاهرات می‌توان به اختر علوی، عزت علوی، سهیلا استکی، گل‌نسا بشکار، نسرین اعتدالپور، اشرف فضلی، زهرا عطایی، معصومه عطایی، رضوان رضوی، نسرین عبداللہیان، مریم رحمتی، نسرین هادیان و... اشاره کرد. البته بسیاری از خانواده‌ها اجازه حضور دختران خود را در روزهای اول نمی‌دادند ولی پس از فراگیر شدن تظاهرات آنان نیز در کنار دختران خود در تظاهرات شرکت می‌کردند. کم‌کم با فراگیر شدن تظاهرات زنان نیز در تظاهرات حضور گسترده پیدا کردند. به‌طوری‌که زنان در روز ۱۶ آبان که به دعوت حجت‌الاسلام سیدعطاءالله احمدی در شهرکرد تظاهراتی برپا شد زنان به‌صورت بسیار گسترده حضور داشتند و از این تاریخ به بعد ما همچنان حضور گسترده آنها را در تظاهرات شهرکرد شاهد بودیم نیروهای مذهبی شهر نیز با فراگیر شدن تظاهرات سعی می‌کردند برای قسمت خانم‌ها نیز انتظامات قرار داده تا مشکل خاصی برای آنها به وجود نیاید (حبیب‌الله رحمتی، ۱۳۹۸/۵/۱۳).

۲-۶- نقش بازاریان

در جامعه بازاریان را در جریان مبارزه با حکومت پهلوی به دو گروه می‌توان تقسیم کرد. یک گروه آنها که به‌صورت کاملاً فعال در مسیر مبارزه با حکومت پهلوی قرار داشته‌اند که از جمله می‌توان به علی مراد و شاه‌مرداد عبداللہیان، علی‌اصغر ایمانی، مجتبی حجازی، محمد مهدوی، احمد مهدوی، اسدالله چراغیان، حیدرعلی سجادی، غلامرضا کوهی فائق اشاره کرد آنها به دلیل زیر پا گذاشته شدن ارزش‌های مذهبی، وجود اختناق، خفقان و سرکوب شدید و نارضایتی آنها از سیاست‌های اقتصادی رژیم به گروهی فعال در صحنه تظاهرات تبدیل شدند و گروه دیگر که یا با ساواک همکاری داشته‌اند یا سکوت کرده‌اند.

بازاریان همچنین از نظر مالی کمک‌های قابل‌توجهی به نیروهای مذهبی و انقلابی هم در بحث تکتیر و توزیع اعلامیه‌ها، دعوت روحانی به شهر و اسکان روحانیون مدعو و همچنین خارج کردن روحانی از شهر نقش مهمی داشته‌اند. بازاریان همچنین همراه با نیروهای مذهبی شهر گاهی اوقات برای دعوت از روحانیون فعال و انقلابی به دیگر شهرها مسافرت کرده‌اند (شکرالله چراغیان، ۱۳۹۸/۵/۱۴).

یکی از اقدامات مهم بازاریان کنترل بازار در ماه‌های پایانی انقلاب بود با توجه به کمبود کالاهای اساسی و خوراکی مردم، آنها با دایر کردن فروشگاه‌های و خرید کالاهای اساسی مردم سعی می‌کردند از بازار سیاه جلوگیری نمایند و به سودجویان نیز اجازه ندهند که مردم را در تنگنا و در شرایط سخت قرار بدهند آنها همچنین سعی می‌کردند توزیع نفت را تحت کنترل داشته باشند و حتی گروه‌هایی تشکیل شده بود که نفت را به درب منازل می‌بردند و با توجه به تعداد جمعیت خانوار نفت در اختیار آنها می‌گذاشتند و حتی به برخی از خانواده‌های بی‌بضاعت به‌صورت رایگان نفت در اختیار آنها قرار می‌گرفت (اسماعیل عباسیان: ۱۳۹۸/۴/۲۵).

درمجموع می‌توان گفت بازاریان به دلایل مذهبی، رابطه با روحانیون، نارضایتی از سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی و قدرت سرکوب و اختناق رژیم به طبقه فعال در صحنه تظاهرات تبدیل شدند و به تکاپوی انقلابی روی آوردند آنان توانستند با تعطیلی منظم بازار نقش مؤثری در تداوم تظاهرات ایفا کنند و از نظر مالی نیز کمک‌های مؤثری در تکتیر و چاپ اعلامیه‌ها انجام دادند.

نتیجه‌گیری

با بررسی سیر حوادث انقلاب در شهرکرد می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که:

۱. حضور افراد فعال مذهبی چون رحمان استکی، سید تقی جعفریان، در شهرکرد، مسافرت تعدادی از آنها به قم و فعالیت‌های تبلیغی روحانیون متعهد به این شهر باعث شد تعدادی از مردم از اواسط دهه ۱۳۴۰ با آیت‌الله خمینی و جریان نهضت اسلامی آشنا شوند.
۲. انتقال عقاید انقلابی در شهرکرد عمدتاً از طریق روحانیون بومی و غیربومی و برخی از نیروهای فعال مذهبی در شهر صورت می‌گرفت.
۳. افراد فعال مذهبی با ارائه آگاهی‌های فرهنگی و روحانیون مدعو با سخنرانی و تبلیغ آموزه‌های غنی اسلام در روشنگری و متعاقب آن ابراز مخالفت مردم بر ضد رژیم پهلوی نقش مؤثری داشتند.
۴. روند حوادث بر شهرکرد نشان می‌دهد که مردم این شهر علاوه بر نارضایتی منطقه‌ای، تحت تأثیر جریان و حوادثی قرار داشتند که در دیگر شهرها اتفاق می‌افتاد و به سیل عظیم انقلاب پیوستند.
۵. بررسی فرایند انقلاب در شهرکرد نشان می‌دهد انقلاب اسلامی با حرکت و همکاری کلیه طبقات اجتماعی اعم از روحانی و بازاری، کشاورز و کارگر و معلم و دانش‌آموز و کارمندان به پیروزی رسید انقلاب اسلامی به تمام معنی یک انقلاب مردمی بود.

کتابنامه

الف) اسناد

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک؛ روزشمار چهارم‌حال و بختیاری، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۸.

ب) کتاب

افلاکی سورشجانی، رضا، جغرافیای استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد: مرید، ۱۳۸۰.

بنی طالبی، احمد، مقدمه‌ای بر شناخت شهرکرد، ج ۱، تهران: آزاد مهر، ۱۳۹۰.

خمینی، روح‌الله، صحیفه امام خمینی (ره)، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۹، چ ۳.

رفیعی وردنجان، مریم، انقلاب اسلامی در بروجن، بروجن: افضل، ۱۳۹۳.

عسگری سوادجانی بهمن، حیدر صادقی، شاهین ایل‌بیگی، حمیدرضا معین فارسانی و طاهره ابراهیمی، سیمای فرهنگ و طبیعت استان چهارمحال و بختیاری، تهران: سازمان میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری، ۱۳۹۴.

فتاحی، قاسم، ظفریان ریگکی، داراب، تاریخ انقلاب اسلامی در چهارمحال و بختیاری، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۸.

فرهنگ شعارهای انقلابی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.

نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله، تهران: رسا، ۱۳۹۰.

نجاری راد، تقی، ساواک و نقش آنان در تحولات داخلی رژیم شاه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

نیکزاد امیر حسینی، کریم، شناخت سرزمین چهارمحال، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

ج) مصاحبه

لطف‌الله داوودی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۱۳.

اسدالله چراغیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۷/۲.

جهانگیر خبازیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۱۷.

شکرالله چراغیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۱۴.

نورالله حیدریان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۲۴.

سید تقی جعفریان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۰۱.

شکرالله چراغیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۱۴.

ابراهیم میر فروغی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۲۰.

نسرین هادیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۰۶.

معصومه عطایی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۰۶.

محمدرضا ملکوتی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۰۵.

سید رحمان رضوی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۱۶.

محمدتقی کوهی فائق، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۲۶.

رضوان رضوی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۱۹.

اشرف فضلی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۳۰.

محمد دانش، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۲۴.

علی کریمیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۰۶.

حبیب‌الله رحمتی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۱۳.

نسرین عبدالهیان، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۹/۰۶.

احمد جهان‌پور، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۵/۱۵.

اسفندیار کاوه، اصفهان، ۱۳۹۸/۵/۲۱.

منصور قاسمی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۰۴/۰۲

مسعود نادری، فرخ شهر، ۱۳۹۸/۰۴/۲۲.

مهندس رضا بنی طالبی، شهرکرد، ۱۳۹۸/۴/۱۸.

ضمایم

ضمیمه شماره ۱



ضمیمه شماره ۲

درجه فوریت: **خیلی محرمانه**

طبقه بندی حفاظتی

پر گنج خیر

صفحه شماره: از صفحه
 نسخه شماره: از نسخه
 ۱- به: ریاست محترم حفاظت و امنیت استان چهارمحال و بختیاری
 ۲- از: سپهرمانی استان چهارمحال و بختیاری
 ۳- شماره: ۵/۶۸۸۹
 ۴- تاریخ: ۵۷/۶/۴
 ۵- پیوست:
 ۶- تاریخ وقوع:
 ۷- ملاحظات حفاظتی:
 ۸- گیرندگان:
 موضوع:
 صنف / پرو:

ساعت ۱۰۰۰ روز ۱۳/۶/۲۵۳۲ مدعی حدود ۲۰۰ نفر که جهت برگزاری نماز عید فطر در حسینیه اعظم اجتماع کرده بودند. ضمن دادن شمار درود بر خمینی از حسینیه خالی و ضمن اینکه مأمورین سپهرمانی با آمادگی کامل مراقب اوضاع بودند و هیچگونه اتفاقی متفرق نکردند.



۵۶

۵۷
 ۱۶
 ۱۰
 ۱

۵۷
 ۱۶
 ۱۰
 ۱

ارزیابی خیر: خیر / صحت ندارد
 نظریه:
 طبقه بندی حفاظتی

بسم الله القاهم الجبارین

- انتشار در دوره دوران پانزدهم راه آزادی
- استندار محترم چهارمحال و بختیاری، ضمن تأیید خواسته های دیگر و ارادان دانش آموز، خواسته های زیر را که قسمتی از مطالب مورد تقاضای دانش آموزان دبیران امیر کبیر است، بری سمریم:
- ۱- تشکیل انجمن دانش آموزان با حفظ آزادی بیان و آزادی انتشار نشریات
 - ۲- انحلال ساواک و عدم دخالت گمارگان آن در آموزشگاهها (در هر هیئت و هیئتی)
 - ۳- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۴- مجازات سبب گشته های اخیر ایران
 - ۵- برپیدن هر چه زودتر باط حکومت نظامی از شهرهای کشور
 - ۶- عدم بگیری دانش آموزانی که در تظاهرات اخیر شرکت داشته اند
 - ۷- ایجاد تشهیلات لازم برای دانش آموزان روستایی که سولس لایب و زاب یا خوانگاه)
 - ۸- اعلام عدم اعتماد دانش آموزان نسبت به نماینده شهر کرد (لطفاً... رشتی)
 - ۹- ایجاد کارگاههای صنعتی و حرفه ای عمومی در سطح استان
 - ۱۰- ایجاد دانشگاه عالی و راهنمایی در استان
 - ۱۱- تحقیق در مورد وضع مالی دانش آموزان و کمک مالی به آنان
 - ۱۲- تشکیل کلوب مذهبی و آزادی اجرای برنامه های اسلامی در دبیرستان
 - ۱۳- پرداخت کمک هزینه به دبیرستان خبیت خرید سولس مخصوص برای گردشهای علمی و فرهنگی
 - ۱۴- برکناری مدیران و مسئولان غیرمسلمان از سازمانهای اداری و آموزشی
 - ۱۵- تشکیل کلاسهای تقویتی و شبانه راگان در سطوح مختلف
 - ۱۶- رسیدگی به وضع کارکنان جزء اعظم از خدمتگزاران و غیره
 - ۱۷- برکناری افراد فاسد از اداره امور تربیتی
 - ۱۸- احترام به سنن اسلامی دانش آموزان و کارمندان و غیره (مخصوصاً حجاب اسلامی دختران و زنان)
 - ۱۹- بسته شدن مراکز فساد در شهر (مشروبات و غیره) و بگیری از خائس فیلماهای مبتذل
- » دانش آموزان دبیران امیر کبیر شهر کرد «

درجه فوریت	طبقه بندی حفاظتی
صفحه یکم از ... صفحه	گزارش خبر
نسخه شماره ... از پنج نسخه	۷ - منبع ۱۴۶۴۸
۱ - ۲۴۴	۸ - منشأ سند و تاریخ
۲ - ۲۲۹	۹ - تاریخ وقوع احیاء
۳ - شماره گزارش ۵۷/۷/۲۳۵۲	۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع
۴ - تاریخ گزارش ۵۷/۷/۲۸	۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر خبر عملیات
۵ - پیوست	محل ۵۷/۷/۱۷
۶ - گیرندگان خبر ۲۴۴ جهت استحضار و حصول نتیجه	۱۲ - ملاحظات حفاظتی

عطف
بر

موضوع: اعصاب و درد ادگستری شهرکرد و

بروجن

از تاریخ ۵۷/۷/۱۷ کارکنان و قضات دادگستری شهرکرد و بروجن اعصاب نفعه خود را شروع و از قبول و انجام هرگونه وظیفه ای خودداری نمودند. ضابطه یاد شدگان سعی دارند که مقامات مسئول چنین عنوان نمایند که تنها کارمند این اداره اعصاب نموده و قضات بکارمشمول هستند ولی در عمل مفاویر این روش عمل نموده و قضات نیز دست از کار کشید و مانند از طرفی یاد شدگان خواست جای دیگر که مشروحاً ۴ بنفاد میگردد به وزارت دادگستری ارسال و تماسهایی نظیر این و وقت و هزینه رسیدگی به خواست چاهشان گرفتارند. اعصاب یاد شدگان در روز اول بدون سروصد بوده و هیچچند نفری از آنان بقیه هیچگونه همکاری را با سایر قضا هرکنندگان شهرکرد ننموده اند.

نظریه شریف خبر صحت دارد.

نظریه یکشنبه طاد خبر مورد تأیید است ۲ - یکشنبه فتوکی تقاضای

یاد شدگان جهت آگاهی به هیئت تقدیم میگردد.

نظریه چهارشنبه - نظریه یکشنبه مورد تأیید است.

طبقه بندی حفاظتی

۵۷-۱۳۱

Y

۱۲۰۲۱	۲ - منبع	۱ - کتب خطی
۱۲۰۲۲	۸ - منبع	۲ - کتب خطی
۱۲۰۲۳	۹ - تاریخ دواغ	۳ - کتب خطی
۱۲۰۲۴	۱۰ - تاریخ زمینی غیر به منبع	۴ - کتب خطی
۱۲۰۲۵	۱۱ - تاریخ زمینی غیر مرصع	۵ - کتب خطی
۱۲۰۲۶	۱۲ - ملاحضات حفاظتی	۶ - کتب خطی

موضوع: **مشارعت و اصلاح در ن اوساهاو** شماره: ۵۲/۸/۹-۵۱۷۱۰۱۰۸

مطابق گزارشات واصله در این باره که در پیوسته می باشد

[illegible]

ΔT = 1°C

طیفہ بندی حفاظتی

مسعود مقبول

خ - به پیشنهاد تفضی استاندار استان چهارمحال و بختیاری مبنی بر تقاضای کمک
نظامی فوری یک آتشبار با استعداد یک نفر افسر ارشد (سرگرد سلیمانی مقدم) و ۲ نفر
افسر جز و ۲۶ نفر درجه دار و ۴ نفر سوار با ۵ دستگاه خودرواز گروه ۴۴ توپخانه
راس ساعت ۲۰۰۰ مورخه ۵۷/۸/۶ به شرکت اعزام گردید تا زیر امر شهپانی شهکرد
قرار گیرد .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ « راه پیمانی بزرگ »

اکنون که بنظر مبارک رهبر جنبش ملی مذهبی ما حضرت امام خمینی مبارزت بیابنه
ملت مسلمان ایران به نقطه اوج و بزرگ‌پروزی حتمی رسیده است لازم و واجب است که با همت و تلاش
فشرده و گسترده تمام طبقات محروم و ستمدیده عرصه را بر استبداد و ستم حاکم رقت‌گشتر کرده نهضت مقدس
استقلال را بگنجیم امروز نه تنها ما با رژیم طاغوت و عوامل مزدور او دربرو هستیم بلکه مستقیماً با نیروهای امپریالیست
و انگلیسی و اسرائیلی و حمایت شوروی و چین و دشمنان ملت ما و غارتگران منابع ثروت و هستی ما مواجه
هستیم در این میان تنها با اتکا به نیروی الله و اراده فولادین و قدرت فشرده ملت و بصیرت
ابر مرد تاریخ حاضر و دارش حسین علی‌سلام حضرت امام خمینی می‌توانیم رژیم حاکم و جان
جان خواه و ضد بشری او را برانو در آوریم با کمال تأثیف و بکارگر سیل خون بر خاک ایران انهم
در یکی از مقدس‌ترین محیط‌های علمی و اجتماعی مائستی دانشگاه مرکز فرهنگی روشن و نیروی
فشرده ملت جاری شد و گروهی از جوانان مبارز ما به خاک خون کشیده شده و بسیاری شهید و مجروح
گرمیده اند با اتفاق کلیه طبقات شریف و غیر شریف و برای ایجاد محال با ایران و فرنگیان
دانش آموزان، پیشه‌وران، کارگران، و کارکنان ادارات دست از کار کشیده و بار دیگر برای ابراز
همبستگی و شکل بیشتر تمام ملت ایران و حوزه‌های علمی و دینی دانشگاهی و کوکوری همه بومین روز
شده و دانشگاه تهران و سایر نرستانها در ساعت ۱۰ صبح سه شنبه ۱۴ آبان ۵۷ در مسجد
صاحب الزمان جب تمام ۲۰ رشی اجتماع کرده و پس از نهندن دروایت لازم همه یک
راه پیمانی منظم و بانده استماع نمونچ استام خود رسم کرد و لا حول ولا قوة الا بالله
الله استعظ الله

صفحه پنجم از	صفحه	۲ - منبع	۲۴۴۸
نسخه شماره	از	۸ - منشأ	سند و اسناد
۱ -	۲۲۴	۹ - تاریخ وقوع	۱۳۳۸
۲ - از	۲۶	۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع	۱۳۳۸
۳ - شماره گزارش	۱۶۹/۲۲۶۵	۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای عملیات	۱۳۳۸
۴ - تاریخ گزارش	۵۷/۸/۲۵	محل	۵۷/۸/۲۲
۵ - پیوست		۱۲ - ملاحظات حفاظتی	
۶ - کپی تعداد	خبر		۴۴۸

عطف
ببر

موضوع: هجر جوانان استعماری و تکنولوژی شهرکرد

در مورخه ۵۷/۸/۱۶ فریدون دانش سرپرست جدید بهد شبانروزی هنرمندان در محیط شبانروزی اعلام کرده است آقایان مایک پرست، نستیم ایمن، حکیمارایانین، بهارید و دیوید (منظور تشار طاندان جلیل سلطنت) در این موقع چند نفر از هنرجویان شبانروزی با ساسی ابراهیم مرتضوی فارسانی، ایرج مرتضوی دیلانی و ایوب اسکندری فارسانی، اله دار - نادی فراد نه، فرهاد علی دیلانی، غلامرضا طهماسبی اردلی، کیانوش - اردقی کاجی، با شکست تشار و آندرون آتیا با هده دیگری منجمله پیوست بهر ای فارسانی، انوشیروان طفری جلو (دیلانی) محمد همتی اردلی، ضو جهرمیزی اردلی، هنوی (کیار) شروع بخواندن اشعار بهیاسار شرم آفریننده در مورد شاهنشاهی و شبانروزی بوده که مورد اعتراض آفریننده ها و مستخدمین قرار گرفتند بطوریکه فردای آنروز بر خوردی بین آنان، وقوع پیوست.

نظریه ششم خبر صحت دارد.

نظریه یکشنبه - اظهارات علیه مورد تأیید است.

نظریه دوم: نظریه که در متن خبر است.

شفه بندی حفاظتی

۵۲-۱۳۱

برای مطالعه بیشتر به این آدرس مراجعه کنید:

۱۳۵۲۱	۲- منبع	۱۳۵۲۱	۲- منبع
شاهدات منوع	۸- منشاء	۱۳۵۲۱	۲- منبع
۵۷/۸/۲۹	۹- تاریخ وقوع	۱۳۵۲۱	۲- منبع
۵۷/۸/۲۹	۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع	۱۳۵۲۱	۲- منبع
۵۷/۸/۲۹	۱۱- تاریخ رسیدن خبر بر مبنی تعلیقات محل	۱۳۵۲۱	۲- منبع
۵۷/۸/۲۹	۱۲- ملاحظات حفاظتی	۱۳۵۲۱	۲- منبع

•Y/9/Y-219/1.2.4

نظریه شنبه - نظریه ندارد .

۲) موجود است - پیکرک اطلس

سہمیں عذر کرو ایسا تو اتنی دیر دیکھو

[illegible]

۱-۴۴۲	۲- منبع	۳- شماره پرونده	۴- تاریخ
۵- تاریخ رسیدن خبر به منبع	۶- تاریخ رسیدن خبر به مراجع	۷- تاریخ	۸- تاریخ
۹- تاریخ	۱۰- تاریخ	۱۱- تاریخ	۱۲- تاریخ
۱۳- تاریخ	۱۴- تاریخ	۱۵- تاریخ	۱۶- تاریخ
۱۷- تاریخ	۱۸- تاریخ	۱۹- تاریخ	۲۰- تاریخ
۲۱- تاریخ	۲۲- تاریخ	۲۳- تاریخ	۲۴- تاریخ
۲۵- تاریخ	۲۶- تاریخ	۲۷- تاریخ	۲۸- تاریخ
۲۹- تاریخ	۳۰- تاریخ	۳۱- تاریخ	۳۲- تاریخ

موضوع:
اعضایات:
عطف:
پیرو:

در تاریخ ۷/۸/۲۹ شخصی ناشناس از تهران به شهر کرد وارد و سراز تاس با چند نفر از کارمندان در گستری منطقه امنی اناماری فرزند اسداله و گلشنی فرزند عباس آن را در صورت بهاعتصاب نمود که یار شدگان نیز بهران گسری بحث و مذاکره و صمیمی گرفتند که کلیه کارکنان اداری این در گستر رسماً از تاریخ ۷/۹/۱ اعتصاب نمایند. نامبردگان سپس ضمن تشکیل یک سری اعلامیه و سرور های ضد ملی به خواسته های سابق خود نیز سه اصل اضافه کردند این سعاد مهارتست از:

- ۱- انحلال سازمان امنیت
- ۲- انحلال دولت نظامی
- ۳- آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی

نظریه ششم خبر صحت دارد.

نظریه یکشنبه - خبر مورد تأیید است.

نظریه چهارشنبه - نظریه یکشنبه مورد تأیید است.

۱۴۲

روز	سال
به بدین	و اصل گردید

ملفه بندی حفاظتی

خیلی مجله ماهانه

درجه فوریت

صفحه یکم از	صفحه
تعداد شماره ۵۰	از پنج
۱ - ۲۲۴	
۲ - ۲۲۴	
۳ - شماره گزارش	۱۱/۱۰۰۶۲
۴ - تاریخ گزارش	۵۷/۲/۲۵
۵ - پیوست	
۶ - گیرندگان خبر	۲۱۲

- ۲ - منبع
- ۸ - منشأ
- ۹ - تاریخ وقوع
- ۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع
- ۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای عملیات
- محل اجرا
- ۱۲ - ملاحظات حفاظتی

عطف
ببر

موضوع: خبر فغانی خانم آشتیانی

خانم آشتیانی در بیرد بهرستان در خوانه نوربخش از مدتی قبل ضمن تدریس در کلاسهای درس مطالعات تحریک آمیزی برای محصلین بیان داشته و ضمن بدگویی از کد ۶۶ کوشش مینماید که ذهن دانش آموزان را نسبت به رژیم شاهنشاهی منحرف و آشفته و از اوضاع مطبعت ناراضی کند تا مبرده از وجود یکی از محصلین کلاس دوم اقتصاد در بهرستان نوربخش بنام مهناز مرفریان که یکی از دختران ناراضی است برای تلفیقات سوء خود در زمین سایر دختران استفاده مینماید.

نظریه شریف خبر قابل تحقیق و بررسی است.

نظریه یکشنبه - اسحاق بهجت آشتیانی که در روزهای اخیر انتقاداتی از وضع مطبعت به طرفداران از خمینی نموده در ۱۹ هـ فاند سابقه میاشد لکن دلائلی که ادال بر بدگویی از کد ۶۶ نموده باشد بدست نیامد.

منحصراً عکاس وی پس از روشن شدن وضع کلی اوضاعاً با استحضار مبرس و سایر سابق مهناز مرفریان که با فشار در هاتانی مکاتبه داشتند در ۲۱۲ موجود است.

نظریه چهارشنبه - نظریه یکشنبه مورد تأیید است.

تأیید و تأیید

رئیس است. در صورت لزوم. مازنه
رجوع به

۳۲-۱۳۱

خیلی مجله ماهانه

درجه فوریت

صفحه یکم از	صفحه
تعداد شماره ۵۰	از پنج
۱ - ۲۲۴	
۲ - ۲۱۱	
۳ - شماره گزارش	۱۱/۱۰۰۶۲ هـ
۴ - تاریخ گزارش	۵۷/۲/۲۵
۵ - پیوست	
۶ - گیرندگان خبر	۲۱۲
۷ - منبع	خبر اطلاعات رانندگی
۸ - منشأ	ماهوران سرخه شهر کرد
۹ - تاریخ وقوع	آخر
۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع	
۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای عملیات	
۱۲ - محل اجرا	
۱۳ - ملاحظات حفاظتی	

موضوع: خبر فغانی خانم آشتیانی

خانم آشتیانی در بیرد بهرستان در خوانه نوربخش از مدتی قبل ضمن تدریس در کلاسهای درس مطالعات تحریک آمیزی برای محصلین بیان داشته و ضمن بدگویی از کد ۶۶ کوشش مینماید که ذهن دانش آموزان را نسبت به رژیم شاهنشاهی منحرف و آشفته و از اوضاع مطبعت ناراضی کند تا مبرده از وجود یکی از محصلین کلاس دوم اقتصاد در بهرستان نوربخش بنام مهناز مرفریان که یکی از دختران ناراضی است برای تبلیغات سوء خود در زمین سایر دختران استفاده مینماید.

نظریه شریف خبر قابل تحقیق و بررسی است.

نظریه یکشنبه - اسفند بهجت آشتیانی که در روزهای اخیر انتقاداتی از وضع مطبعت به طرفداران از خمینی نموده در ۱۹ هـ فاند سابقه می باشد لکن دلائلی که ادال بر بدگویی از کد ۶۶ نموده باشد بدست نیامد.

منحصراً عکاس وی پس از روشن شدن وضع کلی اوضاعاً با استحضار مبرس و سایر سابق مهناز مرفریان که با فشار در هاتانی مکاتبه داشتند در ۲۱۲ موجود است.

نظریه چهارشنبه - نظریه یکشنبه مورد تأیید است.

تأیید و تأیید

رئیس است. در صورت لزوم. مازنه

۳۲-۱۳۱